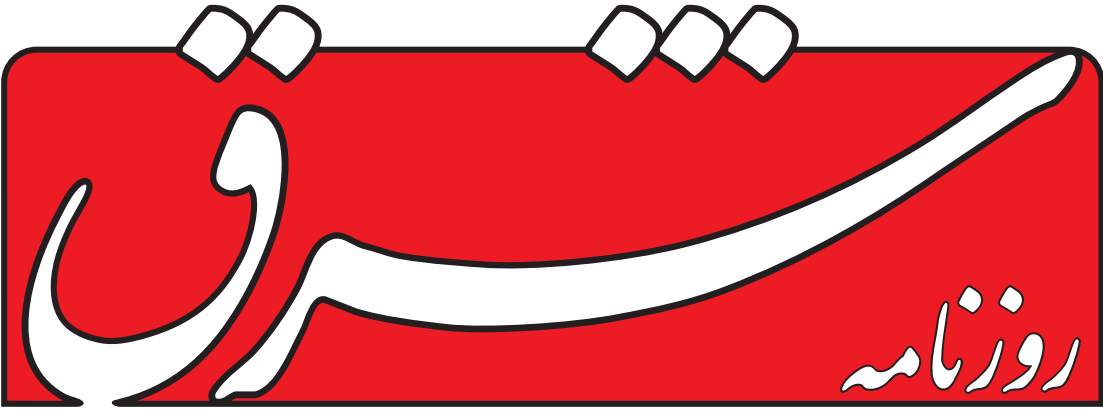


حمایت ۳ قدرت اتحادیه اروپا با عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا

چراغ سبز بروکسل به اوکراین

یک روز پس از سفر رهبران ایتالیا، آلمان و فرانسه به اوکراین، کمیسیون اروپا اعلام کرد که با نامزدی اوکراین برای عضویت در اتحادیه اروپا موافقت می‌کند. تنها چند ساعت بعد از ورود رهبران سه کشور اروپایی فرانسه، ایتالیا، آلمان به کی‌یف، آنها به طور جمعی از تلاش‌های اوکراین برای... صفحه ۵



شنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۱ • ۱۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۳ • ۱۸ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۰۵ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: نیاز به روشنفکران متخصص داریم و نه روشنفکر شاعر، نازک‌کاری را به رسمیت بشناسید؛ حتی یک صندوق حمایتی نداریم و **یادداشت‌هایی از** سیدجمال هادیان طبائی‌زواره، فریدون مجلسی و زهرا نژادبهرام

کشورهای حاشیه خلیج فارس در شتابی خیره‌کننده برای افزایش **درآمدهای نفتی** شرایط تازه‌ای از رقابت را به وجود آورده‌اند

کورس توسعه در منطقه

گزارش تیریک را در صفحه ۴ بخوانید



رویکردی متفاوت نسبت به تصویری ناراحت‌کننده اما تکراری از مخازن زیاله در شهر! **آنهايي که «طلای آلوده» را قورت می‌دهند**

۶

یادداشت‌روزنامه‌نگاران

در ستایش صداهای متنوع



علی اصغر سیدآبادی

یوگنی یفتوشنکو شاعر روس، در یاداشتی که به‌عنوان مقدمه کتابی‌که با نام «بیوندهای ناپیدا» در ایران ترجمه و منتشر شده است، روز گز استالین را روایت می‌کند و اولین مواجهه‌اش را با تردیدهایش توضیح می‌دهد. یفتوشنکو تا آن روز شاعر کمونیستی بود که مثل بسیاری در عزای استالین می‌گریست و خود را به موج جمعیت سپرده بود تا این سو و آن‌سویش ببرد. همان‌جا با دیدن چند نفری که زیر دست‌وپای مردم له می‌شوند، درمی‌یابد راهی که جمعیت او را می‌کشاند، راه او نیست اما وقتی با جمعیت هیجانی بزرگی همراهی به تنهایی نمی‌توانی مسیر حرکت جمعیت را تغییر بدهی، حالا البته اوضاع فرق کرده است و جمعیت‌های توده‌ای محدود به راهپیمایی‌های خیابانی نیستند و شبکه‌های اجتماعی هم فضای مناسبی ساخته‌اند برای شکل‌گیری توده‌های متراکم بی‌شکلی که در موجی -خواسته یا ناخواسته- این سو و آن سو می‌روند و دیگری را که در برابرشان قرار بگیرند، زیر پا له می‌کنند و می‌گذرند. در تعریف سانسور همیشه قدرت رسمی عنصر اصلی بود. پیش‌ترها سانسور نوعی اعمال قدرت نهاد رسمی تلقی می‌شد، برای جلوگیری از گفتن و نوشتن و نشان‌دادن چیزهایی که نمی‌پسندیدند تا در نهایت همه را زیر چتر نوعی یکسان‌سازی دیکته‌شده، گرد آورند که اغلب موفق هم نبودند و نیستند. حالا اما شکل‌های تازه‌ای از سانسور پیدا شده است که الزاما نهاد رسمی قدرت در آن دستی ندارد اما کماکان همان شرایط و همان یکسان‌سازی و همان سکوت و سکون را مطالبه می‌کند. نتیجه این ارباب و ساکت‌سازی بلندترشدن صدای گروه فشار داخلی و براندازان خارجی است و خاموشی اکثریت متوع.

ادامه در صفحه ۴

بررسی کاهش فروش گیشه‌ومخاطب سینما

امیدی به احیای سینمای ایران هست؟

۱۱

استثمار کودکان برای یک مشت دلار

۱۰

اضافه‌بار چندهزاردلاری برای تیم ملی ۵۰۰ میلیون تومان برای چند چمدان

اردوی بیرحاشیه تیم ملی ایران در قطر هنوز تبعات زیادی دارد. بعد از حضور بازیکنان تیم ملی در دمای بالای ۴۰ درجه قطر، آن‌هم برای انجام تنها یک بازی با تیم دوم الجزایر، سروصدای بازیکنان تیم از شرایط حاکم بر اردو درآمده است. همگی از دمای زیاد هوا در این کشور و تعدادی از آنها از کیفیت زمین تمرینی تیم ملی ایران هم به شدت گلایه داشتند. ماحصل این اردو، آن‌هم در آن شرایط بد آب و هوایی، نمایش ضعیف و بحث‌برانگیز تیم ملی در دیدار برابر الجزایر بود که با نتیجه ۲ بر یک مغلوب شدند. دیداری که آن‌قدر پر حرف و حدیث بود که حتی شایعه تغییر در کادر فنی تیم ملی را هم به همراه داشته است. در کنار این موارد اما به نظر می‌رسد این پایان ماجرا نیست و هر روز شایعه تازه‌تری از کنار این اردو به گوش رسانه‌ها می‌رسد. در تازه‌ترین موضوع، داستان اضافه‌بار بازیکنان و اعضای تیم ملی فوتبال ایران در سفر به قطر دردسرساز شده است. آن‌طور که روزهای گذشته یکی، دو رسانه به این مورد پرداخته‌اند، بازیکنان تیم ملی در سفر رفت ۱۰ هزار و در سفر بازگشت ۱۲ هزار دلار اضافه‌بار داشته‌اند. البته که درباره عدد و رقم نمی‌شود با قاطعیت نظر نهایی را داد ولی به نظر می‌رسد این اضافه‌بار، روی دست فدراسیون فوتبال ایران که روزهای سختی را از لحاظ مالی سپری می‌کند ۵۰۰ میلیون تومان خرج گذاشته است. این خرج منهای هزینه‌ای است که ایران برای برگزاری این اردوی بی‌حاصل در نظر گرفته است. اگرچه از کنار توافق فدراسیون قبلی با فوتبال قطر، اسکان و تغذیه بازیکنان تیم ملی در قطر رایگان بوده ولی بقیه موارد هزینه جانبی روی دست فدراسیون گذاشته است. در کنار این موارد، پرداخت هزینه به فدراسیون الجزایر برای حضور در قطر و انجام بازی دوستانه هم موج انتقادات را بیشتر کرده است. در این راستا، درخواستی هم از سوی بازیکنان تیم ملی مطرح شده که نشان می‌دهد آنها از شرایط جابه‌جایی با هواپیما چندان رضایتی نداشته و از اینکه قرار است در یک هواپیما کنار سایر مردم نشسته یا در صف روایتی بایستند، گلایه کرده‌اند. ملی‌پوشان به تازگی درخواست کرده‌اند برای آنها از شرکت «ایران‌ایر» پرواز اختصاصی بگیرند تا آنها مشکلی برای جابه‌جایی نداشته باشند.

این گزارش را در صفحه ۹ بخوانید



زمزمه‌های مجازی رفتن علی باقری‌گنی

شایعه‌ای که با دو توئیت صدا کرد

عکس: Gettyimages

شرق: این روزها «زمزمه‌ها» و «شنیده‌ها»هایی زیاد به گوش می‌رسد؛ حرف و حدیث‌هایی که خبر نیستند و شباهتی به اخبار تأییدشده هم ندارند. اما می‌توانند محل بحث و گفت‌وگوهای فراوانی باشند. البته این نکته را نیز باید اضافه کرد که زمزمه‌هایی از این دست آن‌قدر مایه‌های خبری در بطن خود دارند که می‌توانند به تحلیل‌هایی پیش از وقوع حادثه تبدیل شوند. مثلاً روز گذشته در فضای مجازی توئیت‌هایی از علی باقری‌گنی (دیپلمات ایرانی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران و رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران در مذاکرات مربوط به احیای برجام در وین) دست‌به‌دست می‌شد که بازار زمزمه‌ها و شنیده‌ها یا به عبارتی شایعات خبری را داغ کرده بود و تحلیل‌های قبل از وقوع حادثه را دامن زده بود. برای همین زیاد می‌شد دید که برخی از کاربران پرسیده‌اند آیا علی باقری‌گنی از وزارت امور خارجه و مذاکرات خداحافظی می‌کند یا آیا مذاکرات برجام به پایان رسیده است؟ برای همین از حالا بسیاری چشم به روزهای آینده دوخته‌اند تا ببینند آیا واقعه‌ای در راه است یا از بن، تحلیل‌های پیش از وقوع حادثه نادرست بوده‌اند.

ماجرای اما از اینجا شروع شد که روز گذشته علی باقری‌گنی، در دو توئیت به ترتیب از ضرورت وفاق ملی در دیپلماسی و بعد هم از نیاز سیاست خارجی به «شعور» سخن گفت. به نظر می‌رسد کاربران فضای مجازی و در کل بسیاری از شهروندان عادت نداشته‌اند که یکی از دیپلمات‌های متعلق به جریان حاکم در دولت از این زاویه به تحلیل مسائل مرتبط با سیاست خارجی بپردازد، برای همین ادبیات متفاوت باقری‌گنی این طن را به وجود آورد که احیاناً در روزهای آینده باید شاهد یک تغییر بزرگ در دولت باشیم؛ آن هم تغییر چهره‌ای که کسی انتظار آن را نداشت و گوش‌های زیادی در انتظار بودند تا خبر خروج ناکارآمدی از حلقه‌های تصمیم‌ساز اقتصادی را بشنوند. فاقد از سطح تخصص، علی باقری‌گنی دیپلمات آرام ایرانی شاید در سخت‌ترین شرایط دیپلماسی، مسئولیت مذاکرات در وین را بر عهده گرفت و در این مدت نیز با تمام توانش تلاش کرد که منطبق بر اصول راهبردی دولت مذاکرات را به جلو هدایت کند، حال در شرایطی که بسیاری از همفکران او در دولت و حواشی دولت حتی از زمزمه خداحافظی با برجام و قهر دیپلماتیک سخن می‌گویند، او از نیاز به شعور در دیپلماسی حرف زده است که خود می‌تواند ادله‌ای تشبیهی برای این پرسش غریب‌رسمی باشد که آیا به‌زودی علی باقری‌گنی از وین و دولت خداحافظی می‌کند؟ مخصوصاً اینکه برخی از رفقای سیاسی او نیز در توئیت‌هایی نوشتند که باقری‌گنی تحت فشار دو طرف و فشار کرشمکن واقعیت‌ها در روزهای آینده از نتایج جدیدی سخن خواهد گفت که بدون نفرین نمی‌مانند. توئیت‌های علی باقری‌گنی را در ادامه بخوانید:

• «اقناع ملی»، «وفاق ملی» و «هم‌افزایی ملی» حول موضوعات اصلی سیاست خارجی، به ترتیب سه گام لازم برای تضمین موفقیت سیاست خارجی» و «شتاب‌بخشی به حرکت قطار دیپلماسی» است.

• «خسارت شعورزدایی از سیاست خارجی» کمتر از آسیب شعورزدگی در سیاست خارجی» نیست.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰ ۳۶ ۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق

T.ME/ALOSHARGH

WWW.SHARGHDAILY.IR

سرمقاله

وانهادن نهادها



احمد غلامی

این روزها در وضعیت نابسامان اقتصادی سخن گفتن از دموکراسی بی‌موقع به نظر می‌رسد. در جامعه‌ای که درگیر مسائل معیشتی است و روزگار را به‌سختی می‌گذراند، دموکراسی کالای لوکسی است که به کارش نمی‌آید. حتی طبقه یکی، دو درصدی جامعه متمول‌های ایران هم بیش از هر چیز در پی دولت‌های اقتدارگرا هستند؛ چراکه با این فقر گسترده فقط یک دولت اقتدارگرا می‌تواند از انباشت ثروت غیرمولد آنان حفاظت کند؛ اما در هر حال، دموکراسی در بدترین شرایط هم دود نمی‌شود و به هوا برود. به‌ویژه اینکه مردم، دموکراسی را با عبور خون‌آلود خود از حکومت سلطنتی پهلوی به دست آورده باشد. اگر بخواهیم توالی دموکراسی، اوج و حضيضش را در ایران واکاری کنیم، به نکات جالبی پی خواهیم برد. اگر چه دولت اقتدارگرای رضاشاه در آغاز به بوروکرات‌ها بها داد؛ اما در نهایت نهاد دولت از دیگر نهادها و اجرای حاکمیت قانون و دموکراسی جلوگیری کرد. دولت‌های قدرتمند و مستبد در چنین شرایطی ناگزیرند برای صیانت از اورتیه خود مانع قدرت‌گیری سازمان‌ها و نهادهای دیگر شوند؛ یعنی نهاد دولت علیه نهادهای دیگر وارد عمل شده و آنها را می‌بلعد. اگر بخواهیم از کشورهای دیگر هم مثال بزنیم، هیچ کشوری به اندازه چین مانع رشد دموکراسی نشده است و نهادها در چین تحت سلطه کامل حکومت تمام شده است مانند روسیه، گاه به سود نهاد قانون مانند بریتانیا که پادشاه از همان ابتدا مطیع قانون شد. باوجوداین نمی‌توان با قاطعیت گفت که ابتدا باید دولت شکل بگیرد و بعد دموکراسی با برعکس ابتدا باید نهادهای قانونی شکل بگیرند و بعد دولتی بپدیدار شود. تجربه تاریخی ایران نشان داده گاه این دو هم‌زمان با هم پدیدار شده‌اند؛ البته اگر دوره مشروطه را در نظر بگیریم که دولت ارتجاعی محمدعلی شاه بر سر کار بود و ناگزیر تن به نهاد قانونی مجلس و مشروطه داد. بعد از این دوره ما همواره با حضور توأمان دولت و قانون و کشمکش فی‌مابین آنها زیسته‌ایم. دولت نهادهی که باید از قانون و مظهر آن، دموکراسی صیانت می‌کرد، در کشمکش با نهاد قانون به دموکراسی تعدی کرده و از این رو است که مردم به دولت‌ها نوعی بدگمانی تاریخی دارند، البته نباید این بدگمانی به دولت‌ها را با بدگمانی مردم کشورهای توسعه‌یافته به دولت مقایسه کرد. اگر مردم آمریکا باوری جدی به دولت ندارند، از آن رو است که در تاریخ کوتاه‌مدت خود، تا چشم باز کرده‌اند با نهادهای قدرتمندی روبه‌رو بوده‌اند که نیاز به دولت‌ها را در بین آنان کاهش داده است؛ اما در طول تاریخ ایران جدالی دائمی بین دولت‌ها و نهادهای وجود داشته است که مردم گاه جانب دولت‌ها را گرفته و نهادهای را وانهادند، یا به نهادهای دل بسته‌اند هرچند امیدی به آنها نداشته‌اند. یکی از مهم‌ترین این نهادهای مجلس بوده است که برای نمونه می‌توان از دوران مؤثر آن به مجلس دوره شانزدهم مصدق در جریان ملی‌شدن صنعت نفت اشاره کرد و دیگری مجلس مهم پنجم است که با مجادله فراوان بین نمایندگان، احمدشاه را از سلطنت خلع و رضاشاه را به قدرت رساندند و آن‌گاه رضاشاه مطلع از قدرت نهاد قانون در مجلس ششم، این نهاد را از قدرت تهی و به لحاظ سیاسی اخته کرد. دامنه درگیری نهادهای با دولت و دولت با نهادهای در تاریخ ایران گسترده است. مواجهه محمدرضا شاه با سازمان برنامه و بودجه یکی دیگر از این تعارضات است. اگرچه محمدرضا شاه خودش رئیس سازمان برنامه و بودجه، ابوالحسن ابتهاج را به کار گمارد و از آن حمایت کرد؛ اما در نهایت مجبور شد ابتهاج را برکنار کند و قانون این نهاد را زیر پا بگذارد. پهلوی دوم تلاش کرد برای توسعه کشور از نهادهای غربی کپی‌برداری کند؛ اما این کپی‌برداری شتاب‌زده و نسنجیده از این نهادها قرین موفقیت نبود و با واکنش تدر محافظه‌کاران کشور روبه‌رو شد که در نهایت به انقلاب اسلامی ۵۷ منتهی شد.

زاین یکی از موفق‌ترین کپی‌کارهای دنیا از نهادهای غربی است؛ نهادهایی را کپی کرده است که در توسعه کشور به کارش آمده و با فرهنگ و سنت‌هایش سازگاری داشته است. به تعبیر رونالد هیزن: «نهادهای می‌توانند با هدایت انتخاب‌ها به درون مجموعه کوچک‌تری از کنش، توانایی کنشگر برای کنترل محیط را بهبود بخشند...». هیزن باور دارد چارچوب نهادی، سنگ‌بنای اصلی متمدن‌شدن است. داگلاس نورث هم بر نکته‌ای تأکید می‌کند که به‌روشنی بیانگر اهمیت نهادهای در جامعه است؛ اینکه در غیاب نهادهای کارآمد موجود، جامعه دچار عدم اطمینان می‌شود.

ادامه در صفحه ۴

